



استاد مطهر الگو موفق در عرصه علم و عمل

علی باقی نصرآبادی

عضو هیئت علمی

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

مقدمه

استاد شهید مرتضی مطهری به حق یکی از موفق ترین و پیشروترین متفکران اسلامی در عصر حاضر است که در گسترده‌ی فکری، درک زمانی، شناخت مسائل فکری، توجه به واقعیت‌ها و آشنایی با مبانی دینی، سرآمد هم‌عصران خویش بود. او عمر پر برکت خود را در راه شناخت عمیق اسلام و شناساندن ابعاد گوناگون این مکتب حیات بخش و کارآمد، به شیفتگان معارف ناب اسلامی و مبارزه سرسختانه با کجروی‌ها صرف نمود. بدین علت حق عظیمی بر مسلمانان، بویژه نسل جوان دارد و به حقیقت الگو و معلمی وارسته و موفق برای نسل جستجوگر عصر ماست.

این مقاله در صدد است با بررسی اجمالی در مشی زندگی علمی این متفکر شهید که نقش اساسی در ایجاد تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی جامعه ما داشت، مریبان عزیز را با زوایای نهفته و مختلف زندگی و اندیشه‌های سرنوشت ساز او بیشتر آشنا سازد. بدیهی است آشنایی با دلایل موفقیت مردان بزرگ و مریبان الهی، در نحوه زندگی و تحصیل و تدریس پیروان مسیر آنان، بی تأثیر نیست.

۱. عرصه حیات فردی

از جمله عوامل موفقیت انسانهای بزرگ در جامعه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - خانواده

استاد مطهری در دوازدهم جمادی الثانی سال ۱۳۳۸ هجری قمری مطابق با سیزدهم بهمن ماه سال ۱۲۹۹ شمسی در خانواده‌ای مذهبی و با اصالت به دنیا آمد. مادر وی، عنایت الهی را درباره فرزندش، قبل از تولد او مشاهده کرده بود:

دو ماه قبل از تولد مرتضی شیخی در خواب دیدم محفلی نورانی است و تمام زنان محل در مسجد اجتماع کرده اند. ناگاه بانویی محترم وارد شد و دو زن نیز همراه او بودند که بر اهل مجلس گلاب می پاشیدند. چون نوبت به من رسید به آنان فرمود سه بار گلاب پاشید. از او دلیل آن را جویا شدم با خوش رویی پاسخ داد: به خاطر آن جنینی که در رحم داری، چنین کاری لازم بود، زیرا او آینده ای درخشان خواهد داشت و به جامعه اسلامی خدمات عظیم و گسترده ای خواهد کرد.^(۱)

۲ - دعای والدین در حق فرزند

از مهم ترین راههای کسب توفیق برای انسان، دعای پدر و مادر است. بعضی از بزرگان و عالمان دینی، همچون علامه مجلسی، همه توفیقات خود را ناشی از دعای پدر و مادر خود می دانند. از این رو شهید مطهری در طول عمر خود برای پدر و مادرش احترام خاصی قائل بود. و خود در این زمینه می فرمود:

گه گاه که به اسرار وجودی خود و کارهایی می اندیشم، احساس می کنم یکی از مسائلی که باعث خیر و برکت در زندگی ام شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال من کرده است، احترام و نیکی فراوانی بوده است که به والدین خود کرده‌ام.^(۲)

- در عرصه حیات عملی

۱ - حیات معنوی

آبت الله مطهری از همان اوان جوانی به موازات وارد شدن در عرصه علمی، به

خودسازی و توجه حیات معنوی پرداخت و توأمان در این دو عرصه با موفقیت گام برداشت. مقام معظم رهبری، برایشان غبطه می خورد و می فرماید:

«استاد مطهری یک مرد اهل عبادت، تسویه، تزکیه اخلاق و روح بود. بسیاری از توفیقات مرحوم مطهری بر اثر همین حالات بود که برکات معنوی و آن حال توجه و عبادت و عرفان، ایشان را موفق کرده بود، و این جنبه در ابعاد شخصیتی استاد مطهری واقعاً فصل بسیار شورانگیزی را مطرح می کند و از این لطفی که خداوند در حق استاد مطهری کرده بود، غبطه می خورم.» (۳)

حضور استاد، با دانش و مطالعه کافی و با توکل بر خدا و طهارت روح و اخلاص در کلاس حضور می یافت و در کلاس حوزه و دانشگاه، چنان روحانیتی به مجلس می بخشید که شنونده با تمام وجود معنویت و قداست آن را در می یافت و به نسبت آمادگی اش در جذبۀ های الهی آن مستغرق می گردید.

آن استاد فرزانه ۲۴ سال در دانشگاه تهران تدریس داشت و در تمام این مدت به دانشجویان سفارش می کرد که دانشگاه به منزله مسجد است، سعی کنید بدون وضو وارد دانشگاه نشوید، ایشان به یکی از دانشجویان فرموده بودند:

«من هیچ وقت بدون وضو وارد کلاس درس نمی شوم!» (۴)

۲ - اخلاص در عمل

انسانهای خردمند و فرهیخته جز با اخلاص به پرستش نمی ایستند و جز با نیت پاک به ستایش نمی نشینند؛ چرا که به تعبیر استاد مطهری کارهای خالی از اخلاص، یا خودپرستی است یا شرک: «کار برای خود کردن نفس پرستی است، کار برای خلق کردن بت پرستی است، کار برای خدا و برای خلق کردن شرک و دوگانه پرستی است، کار خود و کار خلق برای خدا کردن توحید و خداپرستی است.» (۵)

از موارد و مصادیق اخلاص در زندگی آن استاد فرزانه، دوری از شهرت و آوازه بود. کار نیک و خیر و ارزشمند را انجام می دادند حتی اگر به نام دیگری تمام و یا شناخته می شد: «کار باید انجام شود، حال به اسم هر کس، مهم هدف ماست که باید به آن برسیم.» (۶)

۳ - توسل و عشق به اهل بیت (علیهم السلام)

توسل به اهل بیت و دوستی آنان، انسان را در درگاه خداوند تبارک و تعالی، بزرگ،

آبرومند و موفق می سازد و از ویژگی های معنوی استاد مطهری همین عشق و توسل بود. مردان بزرگ حتی برای کشف مجهولات و پی بردن به حل مشکلات علمی دست به توسل می زنند تا در اثر کسب فیض از خاندان وحی، گره از مشکل خویش بگشایند. استاد مطهری هم به اهل بیت عشق می ورزید، و هم عشق خویش به دیگران را بر این پایه استوار کرده بود. وقتی از استاد مطهری پرسیدند چرا شما فوق العاده از علامه طباطبایی تجلیل می کنید و تعبیر «روحی فداه» را در مورد ایشان به کار می گیرید؟ پاسخ دادند:

من فیلسوف و عارف بسیار دیده ام، ولی احترام من از علامه طباطبایی به خاطر این است که او عاشق و دلباخته اهل بیت است. علامه طباطبایی در ماه رمضان پیاده به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف می شد و روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه علیها السلام افطار می کرد، سپس به خانه می رفت و غذا می خورد. این ویژگی علامه طباطبایی مرا به شدت شیفته ایشان نموده است. (۷)

- در عرصه حیات علمی

۱ - معلمی فرهیخته

در قلمرو پرورش توانایی ها و شایستگی های بشر، دو نوع معلم و مربی مورد نیاز است که این استعدادها را بارور سازد. یکی معلم گفتار و بیان که از طریق آموزش، درهای معرفت و دانش را به روی انسان بگشاید و دیگری معلم رفتار و عمل، که رفتار و کردارش، راه و رسم زندگی را ترسیم کند و دست انسان را گرفته، در عمل به مراحل کمال برساند یا راه کمال را بنمایاند و استاد مطهری جامع این ویژگی ها بود.

۲ - قدرت فراگیری

خداوند متعال به همه افراد، توانایی و استعدادهای کاملاً یکسان عطا نکرده، برخی از انسانها نیز خود در پی کشف استعدادهای خود نیستند، اما شهید بزرگوار، آنچنان که خود می گوید، از استعداد عظیمی برخوردار بوده است البته آثار ایشان نیز گواه چنین نوعی است: افراد از نظر استعداد یاد گرفتن و فراگیری مطالب علمی بر دو گونه اند. برخی در سنین جوانی از قدرت فوق العاده ای برخوردارند و تا چند سال می توانند به شدت بیاموزند ولی وقتی به اصطلاح پا به سن می گذارند، دیگر گویی استعداد آنها خشک می شود و فقط

به هر آنچه که تا آن موقع آموخته اند اکتفا می کنند و به اصطلاح از «کیسه» می خورند. اما در مورد برخی، مطلب طور دیگری است، یعنی همیشه دارای قدرت فراگیری هستند و من از این دسته هستم. من امروز بیشتر از گذشته درخودم آمادگی برای آموختن احساس می کنم. من امروز دلم می خواهد که دائماً مطالعه کنم و بیاموزم و تدریس کنم و بیاموزانم.^(۸) اهمیت این مطلب هنگامی روشن می شود که بدانیم این سخنان را استاد مطهری یکی دو سال قبل از شهادت فرموده است.

۳ - درک صحیح

استاد مرتضی مطهری از اندیشمندانی بود که درک عمیق و درستی از اسلام و معارف آن داشت و خود بدان معترف بود:

یکی از تفضلات الهی بر من این است که در حالی که بسیاری از دانشمندان اهل نظر هر چند سال یک بار در نظریات خود تجدید نظر می کنند و به اصطلاح تغییر رأی می دهند و گاه تا آخر عمر به چندین عقیده متفاوت و متضاد گرایش پیدا می کنند، من از ابتدای جوانی تا حال حتی یک سطر هم نوشته ام که بعداً بینم غلط بوده است. به حمدالله هر چه که نوشته ام و اندیشیده ام از همان روزهای اول تا حال، هنوز هم بر همان عقیده ام. گاه به نوشته های سی سال پیش خود نگاه می کنم البته تکامل برایم پیدا شده، یعنی یک نظری داشته ام به اجمال، اکنون تفصیل داده ام، برایم پخته تر شده، یا یک دلیل برای مطلبی داشته ام و به دلایل دیگری رسیده ام ولی اینکه بینم چیزی گفته ام یا نوشته ام که اکنون به آن معتقد نیستم و نظرم چیز دیگری است، چنین چیزی نیست، و من این را یکی از الطاف بزرگ الهی برای خود می دانم.^(۹)

۴ - حقیقت جویی

علم اساساً از گزینه حقیقت جویی سرچشمه می گیرد. خداوند انسان را حقیقت طلب آفریده است. انسان می خواهد اشیاء را همانطور که هستند بشناسد و درک کند و این فرع بر این است که خودش را نسبت به حوادث بی غرض و بی طرف نگاه دارد و بخواهد حقیقت را چنان که هست کشف کند نه این که حقیقت، آن طوری باشد که او دلش می خواهد. در این صورت او دارای روح علمی است. خصیصه بارز حقیقت جویی استاد مطهری، موجب شده بود که از پذیرش اندیشه های بدیع و ارزشمند دیگر متفکران ابایی نداشته باشد. اما هیچ گاه

مطلبی را تا در آسیای نیرومند ذهن خود که سرشار از مفاهیم ارزشمند اسلامی بود، نرم و خرد نمی کرد و با اصول و مبانی اسلامی منطق و هماهنگ نمی دید، به طور قالبی و کلیشه ای نمی پذیرفت. (۱۰)

۵ - تواضع علمی

عالمان الهی دانش خود را در مقابل علم خداوند بزرگ، حتی همچون قطره ای در مقابل اقیانوس نمی بینند و معتقدند که بسیاری هستند که دانش و آگاهی شان از آنان بیشتر است. تواضع علمی استاد مطهری نیز زبان زد بود. شهید دکتر محمد مفتح رحمته الله علیه درباره تواضع علمی و دوری از تکبر و شهرت طلبی آن شهید خاطره شیرینی بیان می دارد:

من در روز شهادت استاد مطهری، دنبال نوشته ای در کتابخانه اش می گشتم، دیدم چقدر استاد مطهری نوشته دارند، چه عمر پر برکتی، آن وقت این شخصیت این قدر، اخلاقی، ساده و بی آرایش، همه کتابهایش عنوانش «مرتضی مطهری» بود. هیچ عنوان و لقبی را نمی پذیرفت با این که بدون استثنا استاد همه بود و همه فضیلتی فعلی بدون شک از محضر استاد مطهری استفاده کرده بودند. (۱۱)

۶ - انصاف علمی

رعایت انصاف و خارج نشدن از میانه روی و عدل، یک صفت پسندیده است. معلم اگر شاگردی را به خاطر یک عمل خلاف یا تبلی و... سرزنش می کند، به صفات خوب او نیز باید اشاره و توجه کند. در صورتی که نظر شاگرد در مطلبی بهتر و مفیدتر از نظر معلم است، باید آن را با آغوش باز بپذیرد که به عدل و انصاف علمی نزدیکتر است. بارزترین ویژگی استاد مطهری، داشتن همین روحیه انصاف و عدالت در مسائل علمی و اجتماعی بود. این ویژگی سبب شده بود که استاد مطهری بر روی حرف مخالفان نظر خود - هر که می خواهد باشد و در هر مقامی که باشد - کاملاً بیندیشد، و هیچ گاه با روحیه استکباری و بزرگ منشانه با آرا و عقاید حتی مخالف ترین دشمنان خود نیز برخورد نکند. ایشان، همیشه هر سخن و گفته ای را تا حد امکان تجزیه و تحلیل می کردند و شقوق درست و قابل قبول آن را از احتمالات نادرست جدا کرده و به حساب هر یک جداگانه رسیدگی می کردند. این خصلت که یک خصیصه اخلاقی قابل احترام و با ارزش است، به لحاظ علمی در طرح مباحث و پذیرش آن از طرف مخاطبان و مخالفان بسیار مؤثر است. استاد مطهری هرگاه در اصول و

مباحث مکاتب بیگانه حتی مارکسیسم نکته مثبتی می دیدند از اعتراف به آن خودداری نمی کردند و این یکی از عللی است که آثار ایشان حتی در مخالفان نیز مؤثر افتاده است.

۷ - استقلال فکری

امتیاز برجسته معلمی استاد مطهری این بود که دارای استقلال فکری و واقع گرا بوده، همواره حقیقت را بر عوامل دیگر مقدم می داشت و با دیدی انتقادی به گفته دیگران می نگریست. استقلال فکری استاد باعث شده بود که حتی درس و سخنان استادان خود را نقد کند، البته انتقادی توأم با تعظیم و احترام و ادب. به دیگر سخن، حقیقت و واقعیت را فدای عظمت استاد یا دانشمند دیگر نمی کرد.

با وجود آنکه بخش عمده افکار استاد مطهری از مکتب استاد علامه طباطبایی مایه گرفته و خود ناشر و شارح افکار علامه طباطبایی است، لکن ضمن استفاده زیاد از محضر علامه طباطبایی و احترام فراوان برای ایشان، در بحث «جاودانگی اخلاق» نظریه علامه طباطبایی را نقد می کند. (۱۲)

روح واقع گرایی و استقلال فکری، جرئت انتقاد به استاد را به شاگرد می دهد. از ارسطو نقل می کنند که گفته است:

افلاطون را دوست دارم، اما حقیقت را از او بیشتر دوست دارم. (۱۳)

۸ - تلاش علمی

استاد شهید مطهری همه شب و روز و ساعات و لحظات عمرش را صرف تعلیم و تعلم می کرد. تلاش و پشتکار علمی استاد مطهری برای کسب دانش هنوز زبانزد طلاب و دانشجویان است. تحصیل پی گیرانه فقه و فلسفه و سایر علوم اسلامی را از ابتدا با تلاش خستگی ناپذیر تدارک می دید تا روزی با دست پر رسالت خویش را بر عهده گیرد.

استاد مطهری به صورتی عجیب در صدد بود که با نخبگان حوزه و دانشگاه تماس گیرد و از اندیشه های آنان باخبر گردد. از عرضه کارهای علمی خود نیز به کسانی که به آنان اعتقاد داشت و آنان را در خور و شایسته می دید، ابایی نداشت. همچنین درباره برخی بحث های علمی با بزرگان به رایزنی و مشورت می پرداخت. قبل از آنکه آیت الله بروجردی به قم بیاید، چون استاد مطهری می دانست فقیهی با آن عظمت در بروجرد است، از تعطیل تابستان استفاده کرد و به آنجا رفت و مدتی از محضر پر فیض ایشان بهره مند شد. (۱۴)

تلاش علمی استاد مطهری این امکان را به وی داد تا در زمینه های گوناگون و موضوعات مختلفی قلم زند و تحقیق کند. وی از مجموعه معلومات خود به شایستگی بهره می برد و آنها را به شایستگی عرضه می کرد. دکتر حداد عادل درباره تلاش علمی بی نظیر استاد مطهری می گوید:

استاد مطهری به اندازه سه برابر یک استاد رسمی دانشگاه تدریس می کردند. یک استاد دانشگاه اگر شش ساعت در روز تدریس می کرد و وظیفه خود را انجام می داد، اما استاد مطهری در دو روزی که به قم می رفتند، مقدار تدریس شان از استادان رسمی بیشتر بود. (۱۵)

شهید قدوسی (رحمه الله) در زمینه تلاش علمی و پشتکار استاد مطهری می فرماید:

پشتکار و کثرت مطالعه آقای مطهری در مدرسه فیضیه همه ما را به اعجاب می آورد و تأکید می کرد که استاد مطهری وقتی اصول فقه را خوانده بود، مدعی بود که جزوه و اثری نیست که در این زمینه باشد و من آن را ندیده باشم و یا علم اصول اکنون چون موم در دستان من است به هر شکل و صورتی که بخواهم می توانم تجزیه و تحلیلش بنمایم. (۱۶)

به حق باید گفت که استاد مطهری حتی یک لحظه را نیز از دست نمی داد و در سی سال زندگی خود در تهران کاری جز مطالعه و تحقیق و نوشتن و یادداشت کردن نداشت. استاد مطهری گاهی از اوقات از فرط خستگی به همسرش می گفت:

دیگر گوشه‌هایم نمی شود و پاهایم تحمل وزن بدنم را نمی کند. استاد جعفر سبحانی می گوید از استاد مطهری سؤال کردم که شما چقدر مطالعه و تحقیق می کنید، استاد مطهری در پاسخ من گفتند: در حد مرگ. (۱۷)

شهید دکتر مفتاح می گوید در اوج مبارزات با رژیم طاغوتی، استاد مطهری به من فرمودند: به خدا اگر امام و رهبر ما پیروز بشود هیچ پستی من نمی خواهم، برای من همین زندگی که دارم و کتابخانه ام برای من بهترین لذت است. من همین را می خواهم که بنشینم و کتاب بنویسم و تحقیق کنم و از اسلام عزیز دفاع کنم، این هدف من است، بنابراین، این کوشش و این تلاش ارزش شخصی برای من نیست. (۱۸)

این تلاش و پشتکار علمی نه تنها در عرصه قلم و تحقیق، بلکه در خطابه و سخنرانی استاد مطهری به خوبی ملموس بود. با آن که زبان و بیان مناسبی در عرصه مطالب داشت ولی برای ارائه هر سخنرانی تلاش علمی زیادی می کرد. یک بار استاد مطهری را برای

سخنرانی دعوت کردند و او با تواضع و صراحت تمام گفت:

آمادگی لازم جهت این سخنرانی را نیافته‌ام، من برای هر سخنرانی حداقل بیست ساعت مطالعه دارم. (۱۹)

۹ - ساده گویی

ساده گویی و پرهیز از کلمات سنگین و پیچیده شیوه پیامبران الهی و اولیای خداست و قرآن کریم با زبانی ساده با قشرهای گوناگون مردم سخن می گوید:

فانما یسرنا بلسانک هم یتذکرون. (۲۰)

ما قرآن را به زبان تو (ای رسول) آسان کردیم، امید است که مردم متذکر حقایق آن شوند. آیه الله شهید مطهری در شمار موفق ترین متفکرانی است که از شرایط لازم برای آشنا ساختن نسل امروز با اسلام، برخوردار بود، چون زبان مخاطب را به خوبی می دانست و متناسب با نیازهای این نسل، کتاب می نوشت و سخنرانی می کرد. ساده گویی و ساده نویسی از مشخصات بارز وی بود. او سخت معتقد بود که باید به زبان زمان، و «لهجه عصر» کتاب نوشت و سخنرانی کرد. استاد مطهری چون هم در حوزه و هم در دانشگاه حضور داشت، زبان هر دو را به خوبی می شناخت و زبانش نه برای دانشجوی بیگانه و غریب بود و نه برای طلبه، با هر دو آشنایی داشت. زبان او ساده روشن و گیرا بود. از این رو با مطالعه ای مختصر در آثار استاد شهید مطهری می توان دریافت که او تا چه حد در طرح و تحلیل مسائل به زبان ساده موفق بوده است.

۱۰ - آزادی قلم

از ویژگی های دیگر استاد مطهری حریت قلم او بود. آن شهید هم از هواهای نفسانی آزاد شده بود و هم افکارش به دور از انحراف و وابستگی های جزئی و گروهی و مانند آن بود. لذا آثارش هم قابل فهم و هم پربار بود و هم به تعبیر حضرت امام علیه السلام، آموزنده و روان بخش: ... استاد مطهری در توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت، آثار قلم و زبان او بی استثنا آموزنده و روان بخش است. (۲۱) و به بیان استاد فرزانه، آیت الله جوادی آملی:

اینکه می بینم آثار شهید مطهری خوب و قابل است چون فهمنده خوبی است. وقتی خوب بیاید و آزاد بیاید، آزاد بیان می کند و آزاد می نویسد. این از ویژگی های شهید مطهری بود. (۲۲)

استاد مطهری چه در هنگام تدریس و چه در دیگر مواقع، همواره حرف دانشجویش را می شنید و به این وسیله به او اجازه عقده گشایی و رشد می داد. گاه بعد از اتمام درس مدتها در کلاس می ماند و به انتقادات، پیشنهادها و یا نظریات و اشکالات طلاب و دانشجویان گوش می کرد و پاسخ می داد. ایشان این صبر و حوصله و شنیدن نظریات مخالف را، در مقام تحقیق، بیشتر از مقام تدریس داشت. از همین رو، در ایران کسی را نداریم که به اندازه آن فقیه و ارسته در شناخت منطق های مخالف کار کرده باشد. یعنی مخصوصاً در این جهت، می شود ادعا کرد که ایشان از استاد خودشان علامه طباطبایی رحمه الله نیز جلوتر بودند. استاد مطهری برای شاگردان احترام قائل بوده، به آنان میدان ابراز وجود می دادند و اساساً در مقام برخورد، رفیق آنان بودند.

همین صمیمیت، رفاقت و حفظ احترام مریبان، در کنار وقار استاد، شکل دهنده بهترین نوع رابطه بین استاد و دانشجو در دانشگاه و استاد و طلبه در حوزه شده بود.

۱۲ - روشمندی علمی

از فضایل علمی استاد مطهری روشمند بودن مطالعه، تحقیق، تدریس و خطابه اوست. آن فاضل حوزه و دانشگاه، مخالف سرسخت مطالعه بی برنامه و بی ضابطه بود و می فرمود:

افراد از نظر هوش، فهم و استعداد و حافظه با یکدیگر اختلاف دارند. انسانهای رشید از حافظه خود بهره برداری می کنند. ولی آدمهای غیر رشید تصور می کنند حافظه یک انبار است، انباری که دائماً باید آن را پر کنند و هر چه پیدا کرد، باید آنجا پرت کند... انسان رشید کتابها و مطالبی را که برای خود لازم می داند جمع می کند، آنها را مکرر مطالعه و دسته بندی و سپس خلاصه می کند، خلاصه ها را یادداشت می کند و به حافظه خود می سپارد و بعد به موضوع دیگری می پردازد. چنین فردی اگر حافظه اش ضعیف هم باشد حداکثر استفاده را می کند. (۲۳)

در تحقیق نیز استاد مطهری می دانست به دنبال چه چیز باید بگردد. او هیچ گاه برای تفریح و سرگرمی تحقیق نمی کرد، بلکه بر اساس نیاز و در راستای هدف الهی به این امر مهم همت گماشت.

آنها که دستی در تعلیم و تعلم دارند یا عمری را در این راه گذرانده اند نیک می دانند که

تدریس و آموزش چه هنر ظریف و دشواری است و تا چه اندازه نیازمند صبر و استقامت و نظم و دقت است. کافی نیست که مدرس تنها اطلاعات فنی و عمیق داشته باشد تا بتواند حوزه درس پر جاذبه و گیرایی را به وجود آورد. موفقیت در تدریس در گرو دهها عامل است که داشتن معلومات و اطلاعات کافی تنها یکی از آنها به حساب می آید. استاد مطهری در کار تدریس به راستی هنرمند و معلمی کامل العیار بود؛ از آن سنخ اساتیدی که درسشان زمزمه محبت است و شاگرد را هر چند ناخلف جمعه نیز به حوزه درس و بحث می کشاند.

آن استاد فرهیخته با آنکه تحصیلات رسمی اش را در حوزه گذرانده و به طور مستقیم در مؤسسات آموزشی جدید، تحصیل نکرده و شیوه های نوین آموزش را از استادی نیاموخته بود، آن چنان به کار تدریس تسلط داشت که گویی تا آخرین شیوه ها و دستاوردهای روان‌شناسی آموزش و پرورش در محضر بزرگ ترین اساتید این فن آشنا شده و روش تدریس خود را بر اساس کاوشهای علمی آنها بنا نهاده است. آنچه در پی می آید روش شناسی استاد مطهری در امر تدریس و اداره کلاس است که بدون شک بدون اجرای روشهای ذیل، امکان داشتن کلاسی موفق و در نتیجه آموزش و پرورش موفق میسر نیست.

۱- ۱۲ طرح سیر تاریخی مباحث

استاد مطهری در هر زمینه ای به اقتضای موضوع مورد بحث، سیر تحول و دگرگونی آن علم را از ابتدا تا حال تشریح می کرد و چشم اندازی کلی از آنچه قرار بود پیرامونش سخن گفته شود در برابر دانشجویان قرار می داد و بدین نحو فراگیری دروس را آسان تر می ساخت.

بدون بیان ریشه تاریخی پیدایش هر بحث، دانشجو یا طلبه گیج می ماند که اصلاً عنوان کردن این بحث چه فایده ای دارد؟ الان هم خیلی ها فقط کتاب را باز می کنند و بدون اینکه اصلاً بفهمند که منشأ و ضرورت بحث چیست تدریس را ادامه می دهد. استاد مطهری با احاطه ای که به اقوال گذشتگان داشتند، سیر تحول یک مفهوم را عالی بیان می کردند و ریشه و سابقه مطلب را دقیق و متقن توضیح می دادند.

۲- ۱۲ تدریس بر اساس نیازهای مخاطب و جامعه

استاد شهید، در ارائه مطالب توجه به نیاز جامعه داشت. منظور از مورد نیاز جامعه بودن این نیست که همیشه مردم خودشان خواستار آن مطلب باشند، بلکه ایشان مانند طیبی که در صدد معالجه بیمار است، سعی می کرد درد جامعه را بشناسد و بعد از تشخیص نسخه ای

مناسب تجویز کند. ایشان کمبودهای علمی، فرهنگی و مذهبی جامعه را به خوبی تشخیص می دادند و پس از آن سعی می کردند این کمبود را با نوشته، سخنرانی و بحث های مناسب و به جا برکنند. چرا که استاد مطهری هرگز خویشتن را از عرصه اجتماع خارج نکرد و گوشه انزوا اختیار نمود بلکه در زمانی که اندیشه های مارکسیستی و لیبرالیستی زوایای تن و جان جوانان تحصیل کرده را نشانه گرفته بود، با نوشتارها و سخنرانی های خود گامهای بلندی فرا راه گشودن معضلات فکری جوانان برداشت.

۳-۱۲ تدریس متناسب با سطح دانش فراگیران

از خصوصیتی که در حفظ نظم کلاس و به کارگیری همه استعدادهای بالقوه دانش آموزان و دانشجویان بسیار مؤثر و مفید است، آن است که معلم با دوراندیشی و محاسبه دقیق، از هر شاگردی چیزی را بخواهد که در حد توان و ظرفیت اوست. معلمانی که این استعداد و تجربه را دارند، با چنان سهولت و بازدهی خوبی کلاس را اداره می کنند که عموماً باعث تعجب دیگران می شود.

استاد مطهری در هر کلاس، استعداد و بنیه علمی مخاطبان را در نظر می گرفت و مطالب را متناسب با سطح معلومات جمع عرضه می کرد. به عنوان مثال سطح کلاسهای تفسیر قرآن استاد با سطح کلاسهای خصوصی ایشان در منزل و سطح هر دوی اینها با سطح کلاسهای دانشگاه متفاوت بود. معمولاً در کلاسهای عمومی تر استاد مطهری از امثله و حکایات و اشعار و داستانهای شیرین برای رفع خستگی احتمالی مستمعین بیشتر سود می جست و در کلاسهای خصوصی تر، به خصوص به هنگام تدریس درس فلسفه، به ندرت در طول ساعت، ایشان با گریزی به مطلبی غیر درسی اجازه تندید قوا به شاگردان می داد.

۴-۱۲ ایجاد فضای نقد در کلاس

برخی در برخورد با اندیشه ها، هواره فقط خود را «حق» می دانند و دیگران را باطل. این نوع نگرش به اندیشه های مختلف، گذشته از نشان ضعف اخلاقی در متصف بودنشان به خود بزرگ بینی و غرور علمی، تبعات دیگری نیز در پی دارد.

استاد مطهری هیچ گاه در برخورد با اندیشه های مختلف و نقد آنها، مطلق گرا نبود، با اینکه با استدلال و منطق قوی به نقد و بررسی اندیشه ها می پرداخت، هواره برای طرف مقابل و دیگران هم جای اظهار نظر باقی می گذاشت. روش استاد مطهری در برخورد با آراء

مخالف، بیان نکات مثبت در کنار اشکالات آن است برای نمونه استاد در برخورد با اقبال لاهوری، ابتدا چند مزیت او را بیان می کند و سپس دو نقص نیز بر او وارد می سازد. (۲۴)

آن مری نمونه، در هنگام انتقاد، احساسات و عواطف دیگران را در نظر می گرفت تا بیش از آنچه لازمه یک انتقاد سالم و سازنده است با طرف خود برخورد پیدا نکند. وی از آثار سوء برخورد غیر محترمانه با نویسندگان، عالمان و حتی دانشجویان و مریبان خود آگاه بود و هیچ گاه آنان را مورد استهزاء و تحقیر و تمسخر قرار نداد! و با عاطفه آنان بازی نکرد!

اهل بحث بود. در کلاس درس از اشکال و سؤال شاگرد استقبال می کرد. هیچ وقت نمی شد که بخواد یا هیمنه و غلبه استاد بر شاگرد، جلوی سؤال و اشکال را گرفته یا آن را متوقف کند، بلکه به عکس پا به پای شاگرد یا صاحب اشکال جلو می رفت. این روحیه باعث ترقی و پیشرفت شاگردان می شد. استاد مطهری ذهن شاگرد را وقاد و نقاد بار می آورد. یعنی وقتی برای مطالعه استدلال می کرد، استدلال را در کوجه بن بست رها نمی کرد بلکه به شاگردش خط می داد. استاد چون مطالب را برای خودشان کاملاً پخته کرده بودند، تا صحبت می کردند مجاری استدلال را تا آخر زنجیره امر طی می کردند. این چنین خط سیر استدلال را طوری ترسیم می کردند که هیچ وقت به بن بست نمی رسید. آن وقت ذهن شاگرد نقاد می شد، این ذهن جرقه داشت.

از آنجایی که خداوند، هوش فوق العاده ای به ایشان عطا کرده بود و از جنبه علمی بسیار قوی بودند کمتر می شد در هنگام درس اشتباه کنند، اما اگر اتفاق می افتاد که در نکته ای اشتباه کنند و فی المثل یکی از شاگردان اشتباه را یادآور می شد، می پذیرفتند. خود در این زمینه نقل می کند:

هنگامی که مرحوم آیه الله العظمی بروجردی رحمه الله در درس خارج عمومی خود متنی را می خواندند، یکی از طلبه ها برایشان ایراد گرفتند. آن هم ایرادی از نظر ادبیات، مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در کسوت مدرس درس خارج بودند و در زمان مرجعیت عامه، با این وصف وقتی متوجه شدند که ایراد وارده درست است، نه تنها ناراحت نشدند بلکه به آن طلبه جایزه هم دادند. (۲۵)

بی نوشتها:

- ۱- مطهری، مطهر اندیشه‌ها، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۶۵۵، بانذکی تصرف.
- ۲- سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد، ج ۲، ص ۱۴۹.
- ۳- حاصل عمر، یازدهمین سالگرد شهادت استاد مطهری، ص ۶۲ - ۶۳.
- ۴- واقفی راد، محمد حسن، مطهری، مطهر اندیشه‌ها، ج ۱، ص ۲۸.
- ۵- مرتضی مطهری، جهان بینی توحیدی، ج ۲، ص ۸۳.
- ۶- سید حمید موسوی، سیمای استاد در آئینه نگاه یاران، ص ۹۵.
- ۷- مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۳، ۱۳۶۳.
- ۸- بابی نصرآبادی، علی، نگارش، حمید رمز موفقیت استاد مطهری، چاپ چهارم، ص ۱۴۹.
- ۹- سرگذشت‌های ویژه از زندگانی شهید مطهری، ج ۱، ص ۱۳۳.
- ۱۰- ر. ک: رمز موفقیت استاد مطهری، ص ۱۵۱.
- ۱۱- ر. ک: رمز موفقیت استاد مطهری، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.
- ۱۲- ر. ک: نقدی بر مارکسیسم استاد مطهری، ۲۰۱ - ۱۹۹.
- ۱۳- یادنامه اولین کنگره بررسی و شناخت ابعاد فرهنگی، علمی استاد شهید مطهری، ص ۸۸ - ۸۴.
- ۱۴- مجله بصائر، ش ۲۴، سال سوم، فروردین و اردیبهشت ۷۶، ص ۱۶.
- ۱۵- جلوه‌های معلمی استاد مطهری، ص ۱۰۰.
- ۱۶- مطهر اندیشه‌ها، ج ۱، ص ۱۳۸.
- ۱۷- ر. ک: رمز موفقیت استاد مطهری، ص ۸۸.
- ۱۸- سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد، ج ۱، ص ۷۵.
- ۱۹- یادنامه اولین کنگره شهید مطهری، ص ۱۹.
- ۲۰- دخان / ۵۸.
- ۲۱- پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت سالگرد استاد مطهری.
- ۲۲- جلوه‌های معلمی استاد مطهری، ص ۷۸.
- ۲۳- مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۳، ص ۳۱۵ - ۳۱۶.
- ۲۴- ر. ک: نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۴۸ - ۵۳.
- ۲۵- ر. ک: معلم نمونه، علی تا جدیتی، ص ۹۵ - ۹۹.

پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات فرهنگی